

اهمیت و فلسفه زیارت مرقد حسینی

جعفر الهادی

چکیده

دین اسلام بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره بزرگان دینی تأکید دارد و این سنت در سفارش پیشوایان دینی به زیارت بارگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و دیگر بزرگان دینی جلوه گر شده است. در فرهنگ تشیع، زیارت مرقد امام حسین علیه السلام اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که در روایات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان: واجبی اخلاقی شمرده شده است. بیشتر این روایات از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده که این امر به سبب فراغت و گشایشی بود که در آغاز حکومت عباسیان برای ایشان پدید آمد.

این مقاله پس از بیان اهمیت و فلسفه زیارت مرقد بزرگان دینی به ویژه امام حسین علیه السلام نزد مسلمانان، روایاتی را در این باب بیان کرده، سپس با اشاره به نمونه‌هایی از سفارش‌های پیشوایان دینی درباره زیارت مرقد حسینی و دیدگاه علمای شیعه در این باره، برخی از مشهورترین زائران بارگاه سیدالشهدا علیه السلام را نام برده و موضع حاکمان ستمگر را در برابر زیارت مرقد امام حسین علیه السلام بیان کرده است.

واژگان کلیدی: زیارت، امام حسین علیه السلام، مرقد حسینی بزرگان دین، زائر.

درآمد

احترام و بزرگداشت شخصیت‌های ملی و بزرگ، سنت همیشگی جوامع گوناگون بوده است؛ زیرا زنده نگه داشتن یاد و نام این شخصیت‌ها، در حقیقت حیات بخشیدن به ارزش‌هایی است که برای تحقق آنها زحمات‌های فراوانی متحمل شده‌اند. هر ملّتی و اُمّتی به ارزش‌ها و فرهنگش و شخصیت‌هایی که در این راه قربانی شده‌اند، افتخار می‌کند و این امری عاقلانه و مطابق با فطرت سلیم است.

اسلام نیز هیچ‌گاه مخالف چنین سنتی نبوده و اصولاً این روش اسلام است که با سنت‌های موافق فطرت و عقلانیت، مخالفت نمی‌کند.

آن‌گاه که اسلام به مناطق فلسطین و سوریه و عراق و دیگر سرزمین‌هایی که مراقد انبیاء و صالحین در آن‌جا وجود داشت، وارد شد، متعرّض آنها نشد و حتی کسانی که به عنوان خلیفه پس از پیامبر آمدند نیز قصد سوئی به این مراقد نداشتند؛ بلکه چه‌بسا بر حمایت از این مراقد و محافظت از آنها تأکید می‌کردند و افراد متدیّن و متعهد را به عنوان متولّی بر این حرم‌ها می‌گماشتند. در دائرة المعارف اسلامی آمده است:

هنگامی که مسلمانان فلسطین را فتح کردند، طایفه‌ای از مسیحیان به نام «لَحْم» را یافتند که در کنار مرقد ابراهیم خلیل علیه السلام در «حبرون» زندگی می‌کردند؛ اما با کمال صلح و سلامت با ایشان رفتار نمودند و مسلمانان نیز به حرم حضرت ابراهیم علیه السلام احترام فراوان گذاشتند، تا جایی بسیاری از آن قوم مسلمان شدند؛ زیرا دریافتند که با اسلام نیز می‌توانند در کنار

مرقد ابراهیم خلیل الرّحمان بمانند و آن را زیارت کنند. بر فراز مرقد ابراهیم علیه السلام گنبدی است که در اوایل دوره اسلامی ساخته شده است. مرقد اسحاق و یعقوب علیهم السلام نیز چنین است. حاکمان مسلمان هدایای گران قدری به این مراقد مطهر پیش کش می نمودند.^۱ جهانگردان غربی توصیفات خود از این حرم‌ها و ساختمان‌ها را در سفرنامه‌های‌شان نوشته‌اند. در همین راستاست که قرآن کریم قصص پیشینیان را بازگو می کند و در این داستان‌ها ردّ پایی از ساختن مراقدی بر روی قبور بزرگان یافت می شود. مثل داستان اصحاب کهف که پس از اطلاع مردم از ماجرای عجیب آنان و آگاهی از منزلت ایشان، پس از فوت آن بزرگواران تصمیم گرفتند تا حرمی برای آنان بسازند و از باب تبرّک در آن حرم‌ها به عبادت و سجود و رکوع پردازند.^۲

قرآن کریم حتی دستوراتی را نیز در همین زمینه صادر می کند و به مسلمانان می گوید مقام ابراهیم را به عنوان جایگاه نماز انتخاب کنند و به سعی بین صفا و مروه پردازند؛ آن‌هم به یاد سعی و تلاش حضرت هاجر، همسر ابراهیم علیه السلام در پی یافتن آب برای فرزند اسماعیل.

اسلام برای حجر اسماعیل که نشانه دیگری است، حرمت قائل شده و آن را در محدوده طواف قرار داده و ورود به آن را مُبطل طواف بیان کرده است؛ چرا که قبور انبیای الهی در آن واقع شده است. همچنین رمی جمرات سه گانه و قربانی کردن در منی را نیز جزئی از مناسک حجّ ابراهیمی قرار داده است.

این دستورات با هدف جاودان نمودن یاد و خاطره بزرگان

اولین و مهم ترین مرقد مورد توجه در اسلام، مرقد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود که مسلمانان در زیارت آن مرقد شریف، رمز عظمت خویش و سرّ مجدشان و منشأ شوکتشان و منبع عزتشان را جست و جو می کنند.

دین و تلاش‌های آنان در راه اعتلای انسانیت و اجرای دستورات خداوند صادر شده است. ابن‌قیم جوزی، شاگرد ابن‌تیمیّه حرّانی می‌گوید:

نتیجه و عاقبت صبر هاجر و فرزندش در دوری و غربت از وطن و تسلیم در برابر پروردگار نسبت به ذبح فرزندش، این بود که آثار ایشان و محلّ قدم‌هایشان جزئی از مناسک مؤمنین و صدقه جاریه‌ای برای ایشان تا قیامت قرار داده شود و این سنّت پروردگار است نسبت به کسی که می‌خواهد از میان خلقتش او را بالا ببرد.^۲

خداوند متعال تمام این‌ها را تذکری برای بشریت در طول تاریخ قرار داده است تا فداکاری و تلاش انسان در جهت کمال و پیشرفت معنوی را فرا بگیرد. از علی بن جعفر نقل شده است که از برادر بزرگوارش امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: چرا می‌جمرات جزء مناسک حج قرار داده شده؟ امام فرمودند: «ابلیس که برای ابراهیم علیه السلام تمثّل پیدا کرد، حضرت به طرف او سنگ پرتاب کرد و این سنّت دائمی در حجّ شد».^۴

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ابراهیم علیه السلام زمانی که اسماعیل را در مکه گذاشت، پس از مدّتی تشنه شد؛ مادرش به دنبال آب فاصله بین صفا و مروه را هفت مرتبه رفت و برگشت و خداوند آن را به شکل سنّتی در حجّ قرار داد».^۵

مسلمانان و جاودانگی شخصیت‌های اسلامی

مسلمانان در طول تاریخ اسلام، به زنده نگه داشتن یاد و خاطره شخصیت‌های دینی‌شان اصرار داشتند؛ گاهی با نوشتن و جمع‌آوری سیره ایشان، گاهی با زنده نگه داشتن مولود و وفایت ایشان و گاه با تبدیل خانه‌های شخصی‌شان به موزه و گاهی با ساخت و ترمیم قبورشان و ساختن بنا بر روی آن و زیارت آنها.

اولین و مهم‌ترین مرقد مورد توجه در اسلام، مرقد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود که مسلمانان در زیارت آن مرقد شریف، رمز عظمت خویش و سرّ مجدشان و منشأ شوکتشان و منبع عزتشان را جست‌وجو می‌کنند. حتی آنان خانه‌ای را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مکه در آن به دنیا آمده بود را مقدس شمرده و به آن توجه ویژه دارند. همین‌طور محلی که برای اولین بار بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی فرستاده شد و ایشان به رسالت برگزیده شد، یعنی غار حرا را گرامی



می‌دارند. مسلمانان از کوه بالا رفته و در غار حرا نماز می‌خوانند و به آن تبرک می‌جویند. بعد از آثار نبی اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان به مراقد و آثار ائمه معصومین علیهم السلام و خوبان از اصحاب ایشان متوجه شدند و حتی خانه‌های ایشان زیارتگاه مردم گردید؛ چرا که خداوند می‌فرماید:

﴿فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾^۶

جلال‌الدین سیوطی از انس بن مالک و بریده نقل می‌کند که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود، مردی برخاست و گفت: آنها کدام خانه‌ها هستند؟ حضرت فرمود: «خانه‌های انبیاست». پس ابوبکر برخاست و در حالی که به خانه علی و فاطمه علیها السلام اشاره می‌کرد گفت: ای رسول خدا! این خانه از جمله آنهاست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بلکه از برترین آنهاست»^۷.

پس چه فرقی است میان خانه‌ای که این بزرگواران در آن زندگی می‌کردند، با خانه‌هایی که پیکر مطهرشان در آن آرام گرفته است؟ در سیره مسلمانان چنین فرقی وجود نداشته است. چرا این گونه نباشد، در حالی که مسلمین معتقدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک و راستگوش علیهم السلام زنده‌اند و نزد پروردگار روزی داده می‌شوند، همان‌طور که شهیدان روزی داده می‌شوند و آنان در رتبه سوم پس از انبیا و صدیقین هستند.^۸

به درستی که تکریم و احترام مراقد ائمه اطهار و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله واجبی اخلاقی است که به نصّ قرآن کریم مودت ایشان واجب شده است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۹.

مراقد این بزرگان، چراغ‌های هدایت زندگی است. این مراقد، قلب تپنده امت اسلام و راهنمای آنان به سوی رستگاری است و آن‌گاه که انسان در مقابل این مراقد و حرم‌های مقدس می‌ایستد، آن را کاملاً حس می‌کند.

زیارت امام حسین علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها به زیارت مرقد خود و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه حسین علیه السلام اشاره فرموده است.^{۱۰} آیا حسین علیه السلام شهید راه عقیده نبود؟ آیا او در راه شریعت قربانی نشد؟ آیا رمز زیر بار ظلم و جور نرفتن و آموزگار ایثار و فداکاری نبود؟ کوچک‌ترین کاری که هر مسلمانی می‌تواند انجام دهد، این است که به زیارت مراقد این بزرگواران برود و از فضای معنوی این حرم‌ها فیض ببرد.

روایات

۱. ام سلمه روایت کرده که رسول خدا ﷺ شبی به ناگاه با حالت اضطراب از خواب بیدار شدند و دوباره خوابیدند؛ اما پس از لحظاتی دوباره با اضطراب بیدار شدند و دیدم در دست مبارکش خاک سرخ‌رنگی بود که آن را می‌بویید و می‌بوسید. به ایشان عرض کردم: این تربت چیست؟ حضرت فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که حسین علیه السلام در زمین عراق کشته می‌شود و این خاک زمینی است که حسین در آن کشته می‌شود.»^{۱۱}

۲. ام سلمه روایت کرده است: پیامبر صلی الله علیه و آله روزی در خانه من نشسته بودند که فرمود: کسی بر من وارد نشود! پس از لحظاتی حسین علیه السلام داخل شد و در آغوش رسول خدا جای گرفت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر سرش می‌کشید و گریه می‌کرد. به ایشان عرض کردم: به خدا وقتی داخل شد، متوجه نشدم! حضرت فرمود: «جبرئیل در خانه بود؛ از من پرسید: آیا حسین علیه السلام را دوست داری؟ گفتم: آری. جبرئیل گفت: اَمّت تو او را در سرزمینی به نام کربلا می‌کشند. پس جبرئیل مقداری از خاک این زمین را برایم آورد و نشانم داد.»^{۱۲}



۳. عایشه روایت می‌کند که حسین بن علی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که پیامبر در حال دریافت وحی بودند، وارد شد. جبرئیل عرض کرد: ای محمد! آیا او را دوست داری؟ فرمود: چرا پسر من را دوست نداشته باشم؟! جبرئیل عرض کرد: به درستی که اَمّت تو، او را می‌کشند. و در این هنگام جبرئیل مقداری خاک در دست داشت. پس گفت: در این زمین پسر تو کشته می‌شود و اسم آن سرزمین «طفّ» است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها به زیارت مرقد خود و ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه حسین علیه السلام اشاره فرموده است. آیا حسین علیه السلام شهید راه عقیده نبود؟ آیا او در راه شریعت قربانی نشد؟ آیا رمز زیر بار ظلم و جور نرفتن و آموزگار ایشار و فداکاری نبود؟

وقتی جبرئیل رفت، تربت در دست رسول خدا ﷺ بود و می‌گریست. پیامبر ﷺ به من فرمود: «جبرئیل به من گفت: پسر مکرّم حسین ﷺ در زمین طفّ کشته می‌شود و اتمم پس از من دچار امتحان سختی می‌شوند». پس حضرت به سوی اصحابش رفت که علی ﷺ هم میان ایشان بود و ابوبکر و عمر و حذیفه و عمار و ابوذر، گریه می‌کردند. اصحاب پیش آمدند و عرض کردند: چه چیزی شما را به گریه انداخته ای رسول خدا! حضرت فرمود: «جبرئیل به من گفته که پسر مکرّم حسین کشته می‌شود و خاک زمین طفّ را برایم آورده و به من خبر داده که قبرش هم در آن سرزمین است».^{۱۳}

۴. انس بن حارث از نبی مکرّم ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «پسر مکرّم حسین در زمینی که به آن کربلا می‌گویند، کشته می‌شود. پس هر یک از شما آن روز را درک کرد، باید او را یاری کند».^{۱۴}

علامه شیخ محمد صبان شافعی در کتابش به نام «اسعاف الراغبین» به حاشیه کتاب «نور الابصار» نوشته شبلینجی شافعی می‌نویسد:

از راه‌ها و اسانید متعدّد این خبر به ما رسیده که جبرئیل امین وحی به پیامبر اکرم ﷺ خبر داده که حسین کشته می‌شود و زمینی را که حسین در آن کشته می‌شود را نیز به پیامبر نشان داده و مقداری از خاک آن زمین را به پیامبر داده است. در برخی روایات تصریح شده که نام آن زمین کربلاست و در برخی دیگر از آن به طفّ یاد شده است و در برخی روایات نیز از این منطقه به ساحل فرات یاد شده است. باید توجه داشت این روایات با یکدیگر تعارض ندارند؛ چون فرات به سرزمین طفّ که یکی از شهرهای کربلاست می‌رسد.^{۱۵}

پیامبر اکرم ﷺ با بیان این روایات می‌خواست که مردم به سرزمین کربلا رفت و آمد داشته باشند و همان‌طور که به زیارت او می‌روند، به زیارت حسین ﷺ نیز بروند. چون هدف از هر دو زیارت، یک چیز است و آن یادآوری تقوا و اخلاق و جهاد در راه خدا و فداکاری در راه دین خدا و توجه به عالم ملکوت و فاصله گرفتن از دنیاست. این زیارت‌ها تجدید پیمانی با رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ و تذکری است نسبت به فداکاری‌های این بزرگواران در شرایط سخت.

روایاتی در باب زیارت حضرت حسین علیه السلام

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «کسی که دوست دارد در روز قیامت در پرتوی رحمت پروردگار باشد، باید از جمله زوَّار حسین گردد».^{۱۶}
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «در روز قیامت کسی نیست مگر این که دوست دارد از زوَّار حسین بن علی باشد؛ چون می بیند که خداوند چگونه از روی کرامت و احترام با زوَّار حسین رفتار می نماید».^{۱۷}
۳. از حنَّان بن سدید نقل شده که می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به زیارت حسین بروید و به او جفا نکنید؛ چون او سید شهدا و سرور جوانان بهشت است».^{۱۸}
۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زائر حسین بن علی علیه السلام، زائر رسول خداست».^{۱۹}
۵. همچنین از ایشان نقل شده است که حضرت فرمود: «هر کسی دوست دارد که سكرات مرگ بر او آسان شود، زیاد به زیارت حسین علیه السلام برود».^{۲۰}
۶. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسی که خداوند خیرش را بخواهد، محبَّت حسین و زیارتش را در دلش می افکند و هر کسی خدا شرش را بخواهد، کینه حسین و زیارتش را در دلش می اندازد».^{۲۱}
۷. امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که حسین را با شناخت به حقش زیارت کند، خداوند نامش را در اعلیٰ علیین ثبت می کند».^{۲۲}
۸. عبدالله بن بُکیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «ای عبدالله! خداوند شش منطقه را در زمین برگزید: بیت الله

◆ انس بن حارث از نبی مکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «پسرم حسین در زمینی که به آن کربلا می گویند، کشته می شود. پس هر یک از شما آن روز را درک کرد، باید او را یاری کند.»

الحرام، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، محلّ شهادت شهدا و مساجدی که نام خدا در آن برده می‌شود. ای عبدالله! آیا می‌دانی برای کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، چه ثوابی کنار گذاشته شده؟! هیچ صُبحی نیست مگر هاتفی از میان فرشتگان بر سر قبر زائر حسین ندا می‌دهد: ای جوینده خیر! به سوی ذات پروردگار با کرامت پیش بیا و این ندا را اهل مشرق و مغرب می‌شنوند و باقی نمی‌ماند روی زمین فرشته‌ای از فرشتگان مقرب خدا مگر این که به این زائر حسین مهربان می‌شوند و خداوند را بالای سر او تسبیح و تقدیس می‌کنند و از خداوند رضایت از او را طلب می‌کنند و حتی پیامبران برای زائر حسین علیه السلام دعا می‌کنند.^{۲۳}

۹. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «کسی که می‌خواهد در همسایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و در همسایگی علی و فاطمه علیهما السلام باشد زیارت حسین علیه السلام را ترک نکند».^{۲۴}

۱۰. از معاویه بن وهب نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «زیارت حسین را رها مکن؛ آیا دوست نداری از کسانی باشی که ملائکه برایش دعا می‌کنند؟!».^{۲۵}

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «فاطمه علیها السلام در میان زوّار فرزندش حسین حاضر شده و برایشان استغفار می‌کند».^{۲۶}

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «قبر حسین علیه السلام را زیارت کنید که سرور جوانان شهید راه خداست».^{۲۷}

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «حسین علیه السلام را زیارت کنید، ولو هر سال یک مرتبه باشد. پس هر کس به زیارت او بیاید، آن‌هم در حالی که حق او را می‌شناسد و حق اهل بیت را نفی نکند، پاداشی جز بهشت نخواهد داشت و رزقی وسیع به او داده خواهد شد و خداوند به سرعت گره از کارش باز می‌کند؛ چون خداوند چهار هزار فرشته را وکیل نموده که صبح و شب همگی بر حسین علیه السلام گریه کنند و زائرین را همراهی نمایند تا به خانه‌هایشان باز گردند و اگر مریض شوند، به عیادتشان بروند و اگر مردند، پیکرشان را تشییع کنند و برای‌شان استغفار نمایند».^{۲۸}

۱۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: مرقد حسین علیه السلام باغی از باغ‌های بهشت است و فرشته‌ای مقرب و پیامبری فرستاده شده نیست، مگر این که از خداوند می‌خواهد به زیارت حسین برود. پس گروهی پایین می‌روند و گروهی بالا می‌آیند.^{۲۹}

ملاحظه می‌کنید که بیشتر این روایات، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده، و این به سبب فراغت و گشایشی بود که در ابتدای روی کار آمدن عباسی‌ها برای ایشان حاصل شد. از طرفی اموی‌ها تمام تلاش خود را برای از بین بردن یاد و خاطره کربلا و امام حسین علیه السلام انجام دادند. بنابراین امام علیه السلام برای جبران این نقص، پیوسته فضایل زیارت حضرت حسین علیه السلام و برکاتی که در آن هست را گوشزد می‌نمودند. از سوی دیگر حضرت به تبیین شرایط محیطی پرداخته و می‌فرمودند: هر قدر انسان در راه زیارت حسین علیه السلام سختی ببیند و رنج بکشد، مقرب‌تر خواهد بود.

نمونه‌هایی از توصیه‌های امام صادق علیه السلام به زیارت سیدالشهدا علیه السلام

۱. محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟ عرض کردم: آری، اما با ترس و لرز. حضرت فرمود: «هر قدر این زیارت سخت‌تر باشد، ثواب آن بیشتر است و میزان ثواب به اندازه میزان ترس است. هر کس با ترس به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند ترس روز قیامت را از او برمی‌دارد و از او می‌گذرد و ملائکه بر او درود می‌فرستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دیدنش می‌آید و برایش دعا می‌کند و به گونه‌ای در نعمت و فضل خدا غوطه‌ور می‌گردد که گزندی به او نمی‌رسد و مشمول رضوان خدا می‌شود».^{۳۰}

۲. زراره نقل می‌کند: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: درباره کسی که با ترس به زیارت جدتان حسین برود، چه نظری دارید؟ حضرت فرمود: «خداوند او را در روز فرج اکبر

هیچ صبحی نیست مگر هاتفی از میان فرشتگان بر سر قبر زائر حسین ندا می‌دهد: ای جوینده خیر! به سوی ذات پروردگار با کرامت پیش بیا و این ندا را اهل مشرق و مغرب می‌شنوند و باقی نمی‌ماند روی زمین فرشته‌ای از فرشتگان مقرب خدا مگر این‌که به این زائر حسین مهربان می‌شوند.

(قیامت) ایمن می‌دارد و ملائکه با بشارت با وی ملاقات می‌کنند و به او می‌گویند: نترس و ناراحت نباش امروز روز راحتی توست».^{۳۱}

۳. معاویه بن وهب نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «ای معاویه! زیارت قبر حسین علیه السلام را به خاطر ترس رها مکن؛ زیرا کسی که آن را ترک کند، بعد از مرگ حسرت خواهد خورد که ای کاش می‌توانست به اختیار خویش از قبر بیرون آمده و به زیارت حسین علیه السلام برود. آیا دوست نداری که خدا تو را ببیند و از جمله افرادی باشی که پیامبر برای‌شان دعا می‌کند و همین‌طور فاطمه و علی علیهما السلام؟!».^{۳۲}

۴- عبدالله بن بُکیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من در درون خودم در کشاکش و درگیری هستم؛ قلبم مشتاق زیارت امام حسین علیه السلام است، اما از مأمورین حکومتی هراس دارم! امام صادق علیه السلام فرمود: «ای عبدالله! آیا نمی‌دانی کسی که بترسد و ترسش به خاطر ما باشد، خداوند او را در قیامت در سایه عرش خویش قرار می‌دهد و با حسین علیه السلام هم کلام می‌گردد و از هول قیامت ایمن می‌شود؟ آن زمانی که مردم در جزع و فزع هستند، ملائکه او را در بر می‌گیرند و آرامش و بشارت می‌دهند».^{۳۳}

مسلمانان این رسالت را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به خوبی دریافت کردند و بر زیارت حسین علیه السلام مداومت کردند تا هم یاد حسین زنده بماند و هم خود اصلاح و تربیت شوند.

دیدگاه

۱. ابن بطوطه جهانگرد تونس‌ی می‌نویسد:

از شهر حله به سوی شهر کربلا حرکت کردیم. مشهد حسین بن علی شهر کوچکی است که اطرافش را باغ‌های نخل در بر گرفته و از فرات سیراب می‌شوند. در شهر حرم و مدرسه‌ای بزرگ است. در گوشه حرم به زائرین غذا می‌دهند.^{۳۴}

۲. ابن صباغ مالکی می‌نویسد:

پیکر حسین در خاک کربلای عراق به خاک سپرده شد و مشهدش در این شهر معروف است و از همه جا به زیارتش می‌آیند.^{۳۵}

۳. عقبه بن عمر سهمی، شاعر معروف عرب‌زبان در اواخر قرن اول هجری برای زیارت وارد کربلا می‌شود و وقتی به مرقد مطهر سیدالشهدا علیه السلام می‌رسد، مقابل قبر می‌ایستد و شروع به

مرثیه‌سرایی می‌کند که در بخشی از این مرثیه چنین آمده:
«مرور کردم به قبر حسین علیه السلام در کربلا؛ سیلاب اشک از
دیدگانم بر آن فرو ریخت. سلام خدا بر اهل قبور خفته
در کربلا!»^{۳۶}

۴. اسماعیل بن محمد حمیری (مت ۱۷۸ق) شاعر عرب‌زبان
دیگری در بخشی از قصیده‌اش چنین گفته است:

از کنار مرقد حسین عبور کن و بگو: ای زندگی! بعد
از پیمان شدن بدن حسین علیه السلام در زیر سم اسب‌ها، تو
دیگر برایم شیرین نیستی. ای مرقدی که پاکیزه‌ای را
در خود جای دادی که خودش و پدرش بهترین خلق
خدا بودند؛ خلیفه به حق رسول خدا و اهل خیر و
راضی به رضای پروردگار بودند. پس وقتی به قبرش
رسیدی، بیشتر درنگ کن و با اشک پاک بر شخص
پاک نوحه کن.^{۳۷}

۵. حاج هاشم کعبی (م ۱۲۳۱ق) می‌گوید:

تو را به خدا سوگند می‌دهم اگر به کربلا رفتی، سلام مرا
برسان؛ تربت پاک حسین را بوس و بسیار گریه کن و
دردهای روحت را درمان کن.

۶. ابوالحسن علی بن حماد بصری (م اوایل قرن چهارم
هجری) می‌گوید:

به سوی مرقد کسی برو که گنجینه علم و تقواست. به اشک
چمانت التماس کن تا سرازیر شود. صورت بر تربت پاک
حسین بگذار و خطاب به قبر شریفش بگو: به شایستگی به
چنین مقامی نائل شدی! در تو ریحانه پیامبر قرار گرفته و
کسی که نزد پیامبر جایگاه عظیمی داشت. ای قبر! در تو
مقام حلم و علم جای گرفته و همین برای تو فخر است. در
تو کسی آرمیده که کشته شدنش ستون خیمه دین را لرزاند
در حالی که بیش از آن به واسطه هدایتش محکم بود.^{۳۸}

◆ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای
عبدالله! آیا نمی‌دانی کسی که
بترسد و ترسش به خاطر ما
باشد، خداوند او را در قیامت در
سایه عرش خویش قرار می‌دهد
و با حسین علیه السلام هم کلام می‌گردد
و از هول قیامت ایمن می‌شود؟

مشهورترین زائرین مرقد حسین علیه السلام

- ۱- صحابی جلیل‌القدر جابر بن عبدالله انصاری که مرقد امام حسین علیه السلام را در اولین اربعین، یعنی چهل روز پس از شهادت حضرت در سال ۶۱ هجری زیارت کرد.^{۳۹}
۲. امام زین‌العابدین علی بن الحسین به همراه خانواده امام علیه السلام هنگام بازگشت از دمشق و رفتن به سوی مدینه منوره، کربلا را زیارت فرمود.^{۴۰}
۳. سلیمان بن صرد خزاعی، صحابی گران‌قدر رسول خدا که سابقه درخشانی در خدمت به اسلام داشت و قیام توابین را رهبری کرد.^{۴۱}
۴. عالم بزرگ شیعی، جناب شریف رضی رحمته الله علیه (م ۴۰۶ ق) که در رثای امام حسین علیه السلام قصیده‌ای زیبا نیز سروده است که در ابتدای آن چنین آمده:

کربلا لا زلت کرباً و بلا
ما لقی عندک آل المصطفی
کم علی تربک لَمَا صرَّعوا
من دم سال و من دمع حری

- یعنی: کربلا همچنان در بلا و گرفتاری هستی. چه‌ها دید در تو اهل بیت پیامبر؟! زمانی که جنگ شروع شد، چقدر بر خاک تو خون جاری شد و اشک سرازیر.^{۴۲}
۵. سلطان عثمانی «سلیمان قانونی» که مرقد امام حسین علیه السلام را در سال ۹۴۱ هجری زیارت کرد و نهری را جاری کرد که به نهر سلیمانی شهره گشت و بعدها به «نهر حسینی» تغییر نام داد و تأثیر بسیاری بر فراوانی باغ‌ها و مزارع این شهر نهاد.^{۴۳}

موضع‌گیری حاکمان ظالم در قبال مرقد حسینی

۱. حاکمان ظالمی هم بودند که کربلا و مرقد حضرت حسین علیه السلام را خطری برای خود می‌دانستند و علاقه‌مندان اهل‌بیت علیهم السلام را از زیارت کربلا منع کرده و مشکلات بسیاری برای آنان ایجاد می‌کردند. بنی‌امیه پس از واقعه کربلا متعرض قبر امام حسین علیه السلام نشدند؛ زیرا از عواقب جنایتی که کرده بودند همواره در هراس به سر می‌بردند. بنی‌امیه سخت‌گیری می‌کردند، اما نمی‌توانستند مانع زیارت کربلا شوند. آنان می‌خواستند یاد و خاطره حسین علیه السلام از ذهن مردم فراموش شود.

۲. حکومت بنی‌امیه پس از مدتی منقرض شد و پس از آن دوران فترتی پیش آمد که دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) اندکی آسوده شدند و فرصتی برای زیارت مرقد شریف امام حسین (علیه‌السلام) برای آنان فراهم آمد. این دوران فترت میان سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری بود؛ اما پس از گذشت این سه دهه، بنی‌عباس با مرقد حسین (علیه‌السلام) کاری کردند که اموی‌ها نکرده بودند.^{۴۴} آنان در قتل امام حسین (علیه‌السلام) شرکت نداشتند، اما از اهانت به مرقد شریف چیزی کم نگذاشتند. اولین خلیفه عباسی‌ای که در این راه گام برداشت، منصور عباسی بود که کینه عجیبی نسبت به فرزندان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) داشت و دستور تخریب قبر مطهر را اولین بار او صادر کرد.^{۴۵}

۳. پس از او هارون الرشید در سال ۱۹۳ هجری دستور انهدام ساختمان حرم مطهر را داد و درخت سدری را که نشانه قبر منور حضرت بود، قطع کرد.^{۴۶}

۴. نزدیک به چهل سال بعد، متوکل عباسی که نوه دختری هارون الرشید بود، بر مسند خلافت نشست و سیاست بسیار سخت‌گیرانه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت. نقل است او چهار بار مرقد مطهر امام حسین (علیه‌السلام) را ویران کرد و زمینش را به آب بست و در آن زراعت کرد تا اثری از آن حرم شریف باقی نماند و مردم آن را فراموش کنند؛ اما هرگز در این امر موفق نشد.^{۴۷} جلال‌الدین سیوطی در این باره می‌نویسد:



متوکل در سال ۲۳۶ هجری دستور تخریب قبر حسین (علیه‌السلام) و بناهای اطرافش را صادر کرد و دستور داد تا همه زمین را شخم بزنند و بذر بکارند. متوکل به ضدیت شدید با اهل بیت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) معروف بود و مسلمانان از این بابت رنج می‌بردند ... حتی اهل بغداد

امام زین‌العابدین علی بن الحسین به همراه خانواده امام (علیه‌السلام) هنگام بازگشت از دمشق و رفتن به سوی مدینه منوره، کربلا را زیارت فرمود.

روی دیوارهای شهر به متوکل دشنام می‌نوشتند و برخی شعرا در هجو او می‌سرودند. برای نمونه چنین می‌گفتند: متوکل تأسف می‌خورد که چرا با بنی‌امیه در کشتن حسین علیه السلام شرکت نداشته؛ به همین دلیل قبر حسین علیه السلام را تخریب می‌کند!^{۴۸}

ابن اثیر در «کامل فی التاریخ» می‌نویسد:

متوکل مردم را از زیارت حسین علیه السلام محروم نمود و اطلاعیه داد که هر کسی را نزد قبر حسین بیابیم، سه روز حبس کرده و سپس او را می‌کشیم. بدین وسیله بسیاری را از اطراف مرقد شریف دور کردند. متوکل بغض زیادی نسبت به علی بن ابی‌طالب علیه السلام داشت و دستور می‌داد تا اموال دوستان آن بزرگوار را ضبط و خودشان را سر به نیست کنند... نقل است که مرقد حسین علیه السلام تا هفت مرتبه تخریب و بازسازی شد؛ البته تخریب توسط دشمنان و بازسازی توسط دوستان.^{۴۹}

۵. در سال ۵۱۲ هجری خلیفه وقت عباسی «مسترشد» و فرزندش «راشد» به خزانه حرم حسینی دستبرد زدند و اموال و اشیای گران‌قیمتی را که شامل موقوفات و غیر موقوفات بود، غارت کردند.^{۵۰}

۶. در سال ۱۲۲۶ ق نیز وهابی‌ها به سرکردگی «سعود بن عبدالعزیز» با لشکری دوازده هزار نفری به کربلا حمله کردند؛ در حالی که مردم به مناسبت عید غدیر به نجف اشرف رفته بودند و تقریباً کسی جز کودکان و زنان و پیران در شهر حضور نداشت. وهابی‌ها صدها تن را به خاک و خون کشیدند و اهانت‌ها نسبت به مرقد مطهر حسین علیه السلام مرتکب شدند. چوب‌های ضریح مطهر را شکسته و از آن در پخت غذا و قهوه به عنوان هیزم آتش استفاده کردند. این واقعه آن‌قدر جان‌سوز بود که به «طف ثانی» یعنی کربلای دوم شهره گشت.^{۵۱}

متفکر مسلمان استاد عباس محمود عقاد می‌نویسد:

مراقده امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا امروز مزاریست که مسلمانان از هر مذهبی به سوی آن می‌شتابند. این آسمان بر شهیدان شریف‌تر از اینان سایه نیافکننده است.^{۵۲}

دکتر دوایت دونالدسون در کتابی که درباره عقاید شیعه و تاریخش نوشته می‌گوید:
از فاجعه کربلا بیش از هزار سال می‌گذرد، اما زائران همچنان به سوی آن سفر می‌کنند و تعدادشان روزافزون است.^{۵۳}

و این همان است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایت شیخ صدوق رحمته الله آن را پیش‌بینی فرموده است. حضرت می‌فرماید: «گویا می‌بینم بناهایی روی قبر حسین ساخته شده و می‌بینم که محمل‌هایی به سوی قبر حسین علیه السلام می‌رود و شبی و روزی نمی‌گذرد، مگر این که از سراسر آفاق به سوی آن می‌آیند.^{۵۴}»

پی‌نوشت‌ها

- ۱- دائرة المعارف اسلامی، واژه «خلیل».
۲. اشاره به آیه ۲۱ سوره کهف که می‌فرماید: ﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾.
۳. ابن‌قیم جوزی، طب القلوب، ترجمه سلیمی، ص ۵۷.
۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۹.
۵. همان، ص ۳۶.
۶. نور، آیه ۳۶.
۷. جلال‌الدین سیوطی، الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور، تفسیر سوره نور.
۸. نساء، آیه ۶۹.
۹. شوری، آیه ۲۳.
۱۰. محمدحسن اصطهباناتی، نور العین فی المشی الی زیارة الحسین.
۱۱. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۲۷.
۱۲. قندوزی، ینایع الموده، ص ۳۸۴.
۱۳. همان، ص ۳۸۳.
۱۴. همان، ص ۳۸۲.
۱۵. ابن‌صبان مصری، اسعاف الراغبین، ص ۷۷.
۱۶. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۳.
۱۷. همان، ص ۷۲.
۱۸. همان، ص ۶.
۱۹. ابن‌قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۵۰.
۲۰. همان.
۲۱. همان، ص ۱۴۲.
۲۳. همان، ص ۱۲۵.
۲۴. همان، ص ۱۳۷.
۲۵. همان، ص ۱۱۹.

۲۶. همان، ص ۱۱۸ .
۲۷. همان، ص ۱۰۹ .
۲۸. همان، ص ۸۶ .
۲۹. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۱ .
۳۰. همان، ص ۱۲۷ .
۳۱. همان، ص ۱۰ .
۳۲. همان، ص ۹ .
۳۳. همان، ص ۱۱ .
۳۴. ابن بطوطه، تحفة النظار في غرائب الامصار و عجائب الاسفار (سفرنامه).
۳۵. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمّة في معرفة الاثمة، فصل مربوط به امام حسين عليه السلام.
۳۶. جواد شبر، ادب الطف، ج ۱، ص ۵۲ .
۳۷. همان، ص ۱۹۸ .
۳۸. همان، ج ۶، ص ۲۱۸ .
۳۹. هادی یوسفی غروی، موسوعه تاریخ اسلامی، ج ۶، ص ۲۱۶ .
۴۰. همان.
۴۱. همان، ص ۳۱۰ .
۴۲. دیوان سید رضی، ج ۱، ص ۵۸ .
۴۳. «سلیمان قانونی» دهمین و مقتدرترین پادشاه عثمانی که ۴۶ سال حکومت کرد.
۴۴. مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه، بخش مربوط به امام صادق عليه السلام.
۴۵. شیخ عباس قمی، تنمة المنتهی، ص ۱۶۵ .
۴۶. محمد هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۵۰۳ .
۴۷. اخبار الدولة العباسیه، ترجمه عبدالعزیز دوری، ص ۳۶۵ .
۴۸. جلال الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۴۷ .
۴۹. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۵ .
۵۰. اخبار الدولة العباسیه، ص ۱۴۵ .
۵۱. سید جواد عاملی، مفتاح الكرامة، خاتمه جلد پنجم.
۵۲. عباس محمود عقاد، ابوالشهداء الحسين بن علی، ص ۱۵۰ .
۵۳. دوايت دونالدسون، مذهب شيعه، ص ۷۷ .
۵۴. منتخب التواریخ، ص ۴۱۷ .